



- برترین بانومی، مستی «ام المؤمنین خدیجه طاهره (رض)»

- زن از منظر اسلام و دموکراسی





مشخصات اثر:

نام اثر:

برترین بانوی هستی « ام المؤمنین خدیجۀ طاهره (رض) »
و زن از منظر اسلام و دموکراسی

مؤلف:

دکتور پروفیسور عبدالباری راشد

دیزاین و ویرایش:

عبدالباری مسعود

ناشر:

بنیاد علمی- فرهنگی مولانا راشد (ح)

سال چاپ:

۱۳۹۷

محل نشر:

مطبعه عازم

نوبت چاپ:

اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



برترین بانوی، مستی

« ام المؤمنین خدیجۀ طاهره (رض) »

چکیده:

خدیجۀ طاهره اولین اهل بیت و نخستین پیرو حضرت پیامبرگرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) اند که در تمامی عرصه‌های حیات خصوصی و زندگی مبارزاتی آنحضرت (ص) نقش‌های هم‌رهی و همگامی بارزی ایفا فرموده اند.

حضرت خدیجۀ الکبری (رض) در راستای همگانی شدن دین مقدس اسلام در کنار پیامبر مکرم اسلام (ص) بهترین خدمات لازم مادی و معنوی را در سطح ایثارگری‌ها، مخلصانه به انجام رسانیده اند.

حضرت خدیجه الکبری (رض) دارای بهترین شخصیت انسانی، معنوی و اخلاقی زمان خود بودند. داشتن درایت و هوشمندی خارق العاده این بانوی بزرگ موجب احراز جایگاه بلند و ویژه اقتصادی-اجتماعی ایشان در میان قوم شد، چنانکه خدیجه صدیقه را در دوران جاهلیت نیز مردم لقب «طاهره» بخشیده بودند.

بانوی مطهر تاریخ حضرت خدیجه الکبری (رض) خوش نصیب‌ترین زن در تاریخ انسانیت هستند، که با مال و جان و زبان و با روح و قلب شان مدت ۲۵ سال تمام در خدمت پیامبر بزرگ اسلام به مقصد گسترش دین مقدس اسلام و خدمات مخلصانه و مؤمنانه به شخص پیامبر اسلام قرار داشتند.

جامعه اسلامی هم‌چنانکه حیات معنوی خود را مدیون خدمات پیغمبرانه حضرت محمد (ص) میدانند، خدمات بزرگ فراموش ناشدنی این بانوی بزرگ هستی را نیز وسیله‌ای برای نشر و گسترش دین مبین

اسلام دانسته، ایشان را هم اولین مادر کل مؤمنین و نیز بمثابة پیشوای دین و مربی روحی و معنوی بشریت میخوانند.

بی بی خدیجه الکبری (رض) محبوبترین همسر رسول الله (ص) پس از ادای رسالت‌های انسانی و اسلامی شان در کنار محمد رسول الله (ص) بجامعه بشری، در ماه رمضان سال دهم بعثت رحلت فرمودند.

ارتحال ملکوتی ام‌المؤمنین در حالی بوقوع پیوست که در زندگی ایشان از جانب خدای بزرگ مژدهٔ قصری ویژه در جنت بوسیلهٔ حضرت جبرئیل (ع) به پیامبر اکرم (ص) رسیده بود.

اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمیدٌ مجید.

مقدمه:

سنت آفرینش انسان و ادامه نسل آدمی بعد از پیدایش آدم و حوا علیهما السلام بر اساس اصل مصاهره یعنی همسری و شراکت در زندگی این جفت مکرم برقرار گردیده است. خداوند (ج) این امر را به مثابه یکی از نشانه‌های قدرت خویش اعلام می‌فرماید:

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا^(۱)

ترجمه: و اوست که از آب، بشری آفرید و او را دارای [دو نوع پیوند] نسبی و سببی کرد؛ و پروردگارت همواره تواناست.

نقش همسان مرد و زن در تداوم بیولوژیکی نسل‌ها و ایجاد جوامع انسانی از همین قاعده کلی (مصاهره) منبعث می‌گردد.

(۱) الفرقان، آیه ۵۴

هدف اعلان این سنت الهی در قرآن کریم ابلاغ نفی هر نوع تبعیض و تفوق طلبی و برتری جویی‌ها منجمله تبعیض ناروای جنسی را در میان بشریت مژده میدهد.

اما برتری انسان را بر انسان‌های دیگر بازمه در دنیا و آخرت بدون توجه به جنس، رنگ، نژاد و غیره تنها به یک ملاک عالی، برحق و استثنایی (تقوی) وابسته میسازد. خداوند (ج) می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (۱)

ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

(۱) الحجرات، آیه ۱۹

بر اساس همین ملاک فضیلت یعنی تقوی، طهارت و تزکیه بر مبنای شناخت خدا(ج) و پرستش عاشقانه او تعالی(ج) است که خدای متعال هم چنان که از بهترین و برترین رجال عالم چون پیامبران(ع) در کتاب آسمانی خود به نیکی ذکر میکند، بدترین ذکور تاریخ چون فراعنه، قارون‌ها، نمرودها، ابولهب‌ها، بلعم‌ها و برسیساها را نیز در سلسلهٔ بدان و عناصر پست و بی فضیلت مثال میزند.

ذات اقدس الهی بعین روش بهترین زنان عالم چون مریم دختر عمران، آسیه زن فرعون و امثال ایشان را در قطار رجال (رادمردان) جهان بعنوان الگوهای تقوی و طهارت با تحسین و تائید یاد میفرماید. هم‌چنین نمونه‌های بدی از زنان تاریخ چون ازواج حضرات نوح(ع) و لوط(ع) را نیز بحیث مثال‌های زشتی و حق‌ناشناسی تعریف میکند.

حضرت علی(ک) در خصوص مقام حضرت بی‌بی خدیجهٔ الکبری(رض) از حضرت رسول اکرم(ص) چنین

روایت مینمایند: قال سمعت النبی (ص) يقول: خیر نساءها
 مریم ابنة عمران و خیر نساءها خدیجة^(۱).

ترجمه: حضرت علی (ک) می فرماید، شنیدم
 پیغمبر (ص) می گفتند؛ بهترین زن دنیا در زمان مریم،
 مریم دختر عمران است و بهترین زن امت اسلام
 خدیجه است (رض).

در حدیث شریف دیگر چنین آمده است:
 «بهترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه
 دختر محمد (ص)، مریم دختر عمران و آسیه دختر
 مزاحم زن فرعون اند»^(۲).

آری! خدیجه طاهره از نظر ما بعنوان برترین
 و بهترین بانوی هستی مطالعه می شود. امیدواریم
 خدا (ج) نیز براین تعریف مهر صبحه و تائید گذاشته
 باشند.

(۱) اخرجه البخاری فی ۶۰ کتاب الانبیاء باب ۴۵.

(۲) تفسیر انوار القرآن (۳۲/۱)

اولین اهل بیت حضرت محمد (ص):

نخستین همسر گرامی و بزرگوار حضرت پیامبر (ص) ام المؤمنین سیده خدیجه بنت خویلد علیها السلام بودند. ایشان زنی شریف‌النسب، بغایت پاکدامن، بیدار، دانا و صاحب بصیرت‌های عقلی و روحی و از تاجران نام دار زمان خود شناخته شده‌اند.

بی بی خدیجه الکبری (رض) قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) بمقام نبوت در مکه معظمه افتخار جایگاه اولین همسر محبوب و گرامی آنحضرت (ص) را نصیب شدند. اینچنین حضرت ایشان نخستین کسی بودند که بعد از بعثت نبی مکرم اسلام (ص) رسالت محمدی (ص) را تصدیق فرموده مشرف به دین مقدس اسلام گردیدند.

فلسفه وجودی قدسیت و جایگاه اهل بیت پیامبر (ص) را اصل ایمان و تقوای درجه یک خاندان نبوت و استفاضه مستقیم و مداوم ایشان از انوار نبوت

تشکیل میدهد. چون خداوند متعال (ج) اراده کرده بود تا از اهل بیت ناپاکی‌ها را بزدايد و آنها را بطور ویژه‌ای پاک سازد چنانکه او جل جلاله می‌فرماید:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^(۱)

ترجمه: جز این نیست که خدا (ج) میخواهد تا از شما (اهل بیت) پلیدی را دور نماید و شما را پاک سازد به پاک کردنی.

از اینجا دانسته میشود که نخستین انسان مطهر و با تقوی نیز حضرت بی‌بی خدیجه الکبری (رض) بمثابه اولین مسلمان و نخستین اهل بیت پیامبر (ص) بحساب می‌آیند.

علاوه بر دو ویژگی یاد شده حضرت بی بی خدیجه الکبری (رض) اول کسب امتیاز نخستین همسر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دوم احراز

جایگاه اولین مسلمان جهان در تاریخ اسلام، اجمالاً
به برخی برجسته‌گی‌های دیگر منحصر به فرد ام
المؤمنین (رض) می‌پردازیم:

بصیرت خدیجه الکبری (رض):

خداوند بزرگ (ج) به این بانوی گرامی هستی
چنان خرد و بصیرت عالی نصیب فرموده بودند که
ایشان در آن عصر ظلمانی و زن ستیز یکی از بزرگان
جاه و جلال اجتماعی- معنوی در میان قوم و یکی از
ثروتمندان نامی از راه تجارت گردند. عروج معنوی و
اخلاقی خدیجه الکبری (رض) را می‌توان از لقب
«طاهره» وی (رض) دریافت که در زمان جاهلیت
جامعه به ایشان بخشیده بود.

کمال درایت و توانایی این زن خردمند و عالی
همت در امر کسب ثروت از طریق حلال و ابرومند
آن در مدیریت موفقانه تصدیر و توريد کالاهای
متنوع از راه تجارت در داخل سرزمین خود و خارج
از آن بوسیله عاملان تجارتي دیده میشود.

چه تجارت بخشی از عملیات پیچیده اقتصادی است که فهم دقیق از مسایل اقتصادی مخصوصاً بازاریابی و مدیریت خوب را در این راستا می‌خواهد.

بی بی خدیجه الکبری (رض) با توجه بشرایط دشوار تجارت برای یک زن آنهم در محیط اجتماعی شبه جزیره عرب و مشکلات سفر به اماکن دور و نزدیک آن عصر، خود شان حضوراً به معاملات تجارتي نمی‌پرداختند.

ایشان بمثابة یک مدیر بیدار تجاری گاهی سرمایه و کالاهای شانرا به اجیرانی می‌سپردند تا آنرا به بازارها عرضه کنند و یا کالایی را خریداری نمایند و در مقابل این کار مزد معین خودها را بدون شرکت در نفع و ضرر صاحب سرمایه بدست آرند. زمانی هم بشکل مضاربه با طرف معاملاتی شان عقد می‌بستند. خوشبختانه هردوی این نوع معامله در شریعت اسلامی نیز مورد تأیید قرار دارد.

شخصیت معنوی و جایگاه اجتماعی مادر مؤمنان:

بی بی خدیجه الکبری (رض) دارای فراستی خاص و استثنایی (عقلی و روحی) بودند. چنانکه قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص)، ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد (رض) به یکی از نشانه‌های ویژه پیامبری حضرت رسول الله (ص) متوجه شده و قلباً رسالت ایشانرا تصدیق نمودند. در تفسیر طبری باین حادثه چنین اشاره شده است:

«و چون وقت آمدن کاروان بودی مردمان بر بام‌ها و کوشک‌ها بیستاندی تا خبر کاروان بدانند و خدیجه بر بالای کوشک ایستاده بود و نگاه همی کرد. ناگاه مردی را دید که همی آمد بر اشتری نشسته و پاره ابر بر سر وی همی آمد، به آن مقدار که ویرا سایه همیداشت و همچنان همی آمد و خدیجه عجب بماند و ندانست که آن چیست تا به دیوار بست مکه اندر آمد و بسرای فرو رفت و خدیجه رضی الله تعالی

عنها بدانست که آن پیغامبر است صلی الله علیه و آله وسلم و آن کار پنهان همیداشت»^(۱).

آگاهی معنوی و بیداری فطری خدیجة الکبری (رض) تا جایی بود که قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) و آوردن ایمان به ایشان معیارهای روحی و معنوی و اصل تقوی را خوب میدانست. چنانکه در قضیه آمدن حضرت جبرئیل (ع) بحضور پیامبر اکرم (ص) برای تفکیک فرشته از موجودات دیگر سرخود را کمی برهنه ساخت تا متیقن شود که بر حضرت محمد (ص) چه می گذرد.

واقعه چنان بود که خطاب به پیامبر اکرم (ص) گفت: «به نزدیک من بنشین و چون آن شخص که همی گویی پیدا آید مرا بگوی و پیغامبر صلی الله علیه و آله وسلم نشست و باز جبرئیل (ع) خود را بر پیغامبر (ص) پیدا کرد. پیغمبر (ص) گفت که یا خدیجه آنکه آمد. خدیجه (رض) برخاست و سر خود را برهنه

(۱) ترجمه تفسیر طبری، ص ۱۰۸۰

کرد. جبرئیل (ع) باز گردید. پس پیغمبر (ص) گفت که یا خدیجه آن شخص باز گردید و پس خدیجه (رض) دانست که آن فرشته بوده است^(۱).

درایت و فراست خداداد حضرت بی‌بی خدیجه الکبری (رض) را در واقعه رسیدن وحی بر پیامبر (ص) نیز میتوان درک کرد. مخصوصاً آنگاه که حضرت پیامبر گرامی اسلام (ص) برای اولین بار با حضرت جبرئیل (ع) ملاقی شد و ایشان را پس از سه بار فشار دادن در بغل گرفت و بعد رها کرده گفت: بخوان بنام پروردگارت که همه چیز را بوجود آورده است و انسان را از خون منجمد آفریده است، بخوان، پروردگار شما کریم‌ترین و بزرگواری‌ترین است^(۲).

پیغمبر (ص) با تکرار این کلمات به خانه برگشت در حالیکه قلبش بشدت در حال تپش و ضربان بود، به نزد خدیجه آمد گفت: مرا با پارچه‌ای بپوشانید، مرا

(۱) ترجمه تفسیر طبری، ص ۱۰۸۰

(۲) اخرجه البخاری فی کتاب بدء الوحی: باب ۳ حدثنا یحیی ابن بکیر

با پارچه‌ای پوشانید، (در حالیکه پیغمبر^(ص) دراز کشیده بود) پارچه ایرا برویش انداختند، تا اینکه اضطراب و دلهره‌اش از بین رفت، آنگاه موضوع را به خدیجه گفت و جریان را به او خبر داد و گفت: از خود می‌ترسم. خدیجه گفت: هرگز نباید بترسی، قسم به خدا هیچوقت خداوند^(ج) تو را خوار و بدبخت نخواهد کرد چون صلهٔ رحم را بجای می‌آوری و به بیچاره‌گان کمک می‌کنی و فضایل اخلاقی را به مردم می‌آموزی که هیچ‌کس دارای چنین اخلاقی نیست، از مهمان پذیرایی می‌کنی و به پیش‌آمدهای خیر کمک می‌نمایی»^(۱).

از این جملات ارزنده و مفاهیم برارنده و عالی ابراز شده در کمال اطمینان (با تأکید سوگند بخدا) بر می‌آید که در جهان بینی بی‌بی خدیجه الکبری^(رض) قبل از اسلام هم ریشه‌های عمیق اندیشهٔ توحیدی جا داشته است. بهمین دلیل بود، اولین کسیکه به رسالت

(۱) اخرجه البخاری فی الکتاب بدء الوحی: باب ۳ حدثنا یحیی ابن بکیر

پیامبر اکرم (ص) بدون تردید و تأمل ایمان آورد حضرت بی بی خدیجه الکبری (رض) بودند.

انتخاب پیامبر اکرم (ص) بحیث همسر قبل از بعثت ایشان در میان آنهمه خواستگاران نامدار و سرمایه دار عرب نشان دیگری از شخصیت بزرگ، عفت، بیداری و هوشمندی این بانوی بزرگ عالم است. در برخی از قسمت داستان واقعی تاریخی ازدواج بی بی خدیجه الکبری (رض) با حضرت محمد (ص) چنین آمده است:

«... همه این اسباب و زمینه ها این چشمداشت را در خدیجه بوجود آورد که همسر او و مادری برای پاک ترین فرزندان از نسل پاک ترین مرد باشد. او رغبت و تمایل فراوانی باین امر یافت، با آنکه او همان زنی بود که در میان اشراف مکه خواستگاران فراوانی داشت. اما آن پاکدامن خویشتن دار همه این خواستگاران را با فراوانی آنها و با

رفعت مقام مادی آنان از دید مردم و با همه والایی
نسب آنان در نگاه صاحبان اصل و نسب نپذیرفت^(۱).

خدیجه طاهره (رض) بعد از ایمان آوردن به پیامبر
اسلام حضرت محمد (ص) و خدمتگزاری در راه ترقی
و تعالی دین خدا (ج) با پیامبر (ص) به جایگاهی از کمال
ایمانی و رشد روحی رسید که خداوند (ج) وی را در
زندگی اش بساختمانی مجلل در بهشت نوید داد.

در بخاری شریف از حضرت ابوهریره (رض)
روایت شده که: جبرئیل (ع) نزد رسول الله (ص) آمد و
گفت: ای رسول خدا! این خدیجه است که با
ظرفیکه شوربا و طعام دارد نزد شما میآید. هرگاه نزد
شما آمد از طرف من به او سلام ابلاغ دارید و نوید
خانه‌ای در بهشت به او بده که در آن نه سروصدایی
وجود دارد و نه انسان از نشستن در آن احساس
خستگی می‌نماید.

(۱) خاتم پیغامبران - ابوزهره، ص ۳۰۸

محبت ویژه رسول الله (ص) به حضرت خدیجه الکبری (رض):

بدون تردید اولین کسی که یار و یاور و غمگسار ایام غم و تنهایی رسول الله (ص) قبل از بعثت و بعد از آن می شوند و با تمام جایگاه قومی و امکانات مادی و روح بزرگ خویش از آنحضرت (ص) و از پیام شان منحیث نخستین شریک زندگی و اولین پیرو راستین استقبال مینمایند باید محبوب ترین انسانها در نزد پیامبر اکرم (ص) باشند. زیرا شایسته مقام نبوت پاسداری از احسانها و خدمات بنده گان خدا (ج) بحکم (هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ) است.

پیامبر اکرم (ص) حضرت بی بی خدیجه الکبری (رض) را چنان عزیز و گرامی می داشتند که در تاریخ نظیر این محبت نه در گذشته دیده شده نه در حال و نه در آینده دیده خواهد شد. این محبت بر پایه اشتراک اندیشه و خدا پرستی بنیاد یافته بود.

برای درک و تصور ذره ای از این محبت الهی پیامبر (ص) نسبت به حضرت ام المؤمنین خدیجه (رض)

میتوان بحديث شريف ذيل از زبان ام المؤمنین بی بی عایشه (رض) توجه کرد:

حديث (۱۵۷۷): یعنی «حضرت عایشه (رض) گوید:
حساسیت نسبت به هیچیک از زنان پیغمبر (ص)
باندازه خدیجه (رض) نداشتم، من او را ندیده بودم ولی
پیغمبر (ص) بسیار از او یاد میکرد، بعضی اوقات
گوسفندی را سر می برید، گوشت آنرا قطعه قطعه
میکرد آنرا برای دوستان خدیجه می فرستاد، گاهی به
پیغمبر (ص) میگفتم: مثل اینکه در دنیا زن دیگری جز
خدیجه وجود نداشته است؟ پیغمبر (ص) میگفت:
خدیجه زن بخصوصی بود، من از او اولاد داشتم^(۱)».

اوج محبت رسول الله (ص) را در حادثه دیگر
میتوان احساس کرد که در حدیث شریف ذیل آمده
است: حدیث (۱۵۷۸): یعنی «عایشه (رض) گوید:

(۱) اخرجہ البخاری فی کتاب مناقب الانصار: باب ۲۰ تزویج

النبی (ص) خدیجه (رض) وفضلها، اللؤلؤ و المرجان، ج سوم، (۱/۲۷۲)

هاله دختر خویلد خواهر خدیجه اجازه خواست پیش پیغمبر(ص) بیاید همین که پیغمبر(ص) صدای هاله را شنید تکان خورد، بیاد صدای خدیجه افتاد پیغمبر(ص) رنگش تغییر یافت، گفت إن شاء الله هاله است، من ناراحت شدم و گفتم: چیست همیشه بیاد پیرزنی از پیرزنان قریش میباشید که بجز لثه های قرمز، دندان سفیدی در دهن نداشت و از پیری مرد، خداوند(ج) عوض بهتر از او را بشما داده است.

این روایات مؤثق ام المؤمنین حضرت بی بی عایشه(رض) عمق و پهنای محبت خاص حضرت رسول اکرم(ص) را نسبت به حضرت بی بی خدیجه الکبری(رض) به تصویر می کشد.

مهر حضرت خدیجه(رض):

مهریه آنها بروایتی بیست ماده شتر جوان و بروایت دیگر دوازده و نیم اوقیه^(۱) طلا نیز بود. البته

(۱) اوقیه یکی از مقیاس های وزن است که مقدار شرعی آن در طلا مساوی ۷،۵ مثقال و یا ۷۵،۲۹ گرام است.

این مقداری است که رسول خدا (ص) به مهریه تعیین شده توسط ابوطالب عم مهربان شان (بیست شتر) افزوده اند.

خدیجه (رض) یگانه عامل تداوم نسل محمدی (ص):

یکی دیگر از محاسن و برازندگی‌های خداداد و استثنایی حضرت بی بی خدیجه (رض) در میان همه امهات مؤمنین آنست که تمامی نسل نبوی (ص) را خداوند (ج) از همین مادر مؤمنان (رض) بوجود آورده اند.

پس ایشان نه تنها مادر بمعنی اخص اعتقادی آن برای تمام مؤمنین اند، بلکه مادر نسبی همه نسل محمدی (ص) (سادات) از حضرات فاطمه، حسن و حسین (رض) تا آخرین سید روی زمین نیز میباشند، که این امتیاز ویژه را خداوند متعال (ج) تنها باین مادر مؤمنین مرحمت فرموده اند. «... فرزندانم جز ابراهیم از او است و خداوند (ج) از همسران دیگرم جز ماریه فرزندی بمن نداد»^(۱).

(۱) خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۲۵۷

بهترین مونس زندگی و یاور حضرت محمد (ص):

خدیجه صدیقه بعنوان یک موهبت خاص الهی آنحضرت (ص) را در عنفوان جوانی از تنهایی نجات بخشید و بحیث بهترین همسر غم خوار و خوبترین مشاور و مددگار در همه امور زندگی ایشان شریک شد.

خدیجه (رض) بهترین و روشن‌ترین مصداق قرآنی در بخشیدن سکون و آرامش روحی به پیامبرگرامی اسلام بودند. طوریکه پیامبر اکرم (ص) هر غم و شادی و هر تغییر و تحول در زندگی ظاهری و باطنی شانرا نخست با حضرت خدیجه (رض) شریک میساختند و در کنار ایشان آرامش می‌یافتند.

خداوند حکیم (ج) در خصوص حکمت ازدواج و نقش آن در آرامش روحی و ایجاد مؤدت و رحمت بین زن و مرد بعنوان یکی از نشانه‌های قدرت خود می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
 لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که
 برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان
 آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛
 یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای
 مردمی که می اندیشند.

آری! خدیجه بود که حضرت رسول الله (ص) را
 در خلوت نشینی ها و عبادت (نیایش) در غار حرا با
 تأمین و تهیه غذا و لباس لازم و همنوایی فکری
 همیشه یاری میکردند و با حضرت ختمی مرتبت (ص)
 در آن جریان ربانی بعثت صادقانه و دلسوزانه
 همراهی می نمودند.

ایشان بودند که پیامبر عظیم الشان اسلام را در
 آوان نزول اولین وحی که موجب هراس پیغمبر (ص)

(۱) الروم، آیه ۱۲

شده بود بعنوان بهترین انسان با زیباترین کلمات و جملات شیوا و مبتنی بر ایمان و حقیقت اطمینان بخشیدند و به آرامش و سکون دل رساندند. هم‌چنین خدیجه (رض) بود که حضرت رسول الله (ص) را نزد ورقه ابن نوفل پسر کاکای خود بردند و ماجرای وحی را برای وی تعریف کردند. ورقه ابن نوفل که مردی موحد و دانا بود نیز نبوت ایشان را تصدیق فرموده و آرزو کردند کاش در زمان دعوت ایشان زنده میبودند و آنحضرت (ص) را در مصایب راه حق یاری میکردند. ورقه ابن نوفل بحضرت پیغمبر (ص) گفت:

«این همان پیام آور خیری است (جبرئیل ع) که خداوند (ج) او را به نزد موسی (ع) می فرستاد، ایکاش من در زمان پیغمبری شما جوان و نیرومند میبودم، ایکاش وقتی که قوم و عشیرت (قریش) شما را از مکه بیرون میکنند من زنده می ماندم، پیغمبر (ص) گفت مگر آنان مرا بیرون میکنند؟ ورقه گفت: آری، کسی نبوده آنچه را که شما با خود آورده اید با خود

آورده باشد و مردم با او دشمنی و عداوت نکرده باشند»^(۱).

حضرت پیامبر اکرم (ص) در خصوص یاری و یاورهای مادی و معنوی ام المؤمنین خدیجه الکبری (رض) با حضرت پیامبر (ص) در راستای کسب حصول رضای خدا (ج) و پیامبر (ص) به وضوح می‌فرماید:

«... وقتی مردم مرا پیروی نمی‌کردند و تکذیب می‌نمودند، خدیجه ایمان آورد و تصدیق کرد و هنگامی که مردم مرا از مال و ثروت محروم میداشتند او مرا در اموال و دارایی‌اش شریک گردانید و فرزندانم جز ابراهیم از او است و خداوند (ج) از همسران دیگرم جز ماریه فرزندی بمن نداد»^(۲).

(۱) اخرجہ البخاری فی کتاب بدء الوحی: باب ۳ حدثنا یحیی ابن بکیر

(۲) خاتم پیغامبران (ص)، ج ۱، ص ۲۷۵

این قول راستین و متین رسول الله (ص) که در
 کمال بلاغت و فصاحت در قالب یک لحن شیوای
 امتنانه بیان شده است همه پیوندهای عالیۀ روحی،
 خونی و مادی- معنوی حضرت ام المؤمنین خدیجه (رض)
 را بنحوی برجسته با پیامبر بزرگ اسلام و انقلاب
 محمدی (ص) تبارز میدهد.

اللهم صل علی محمد و علی آله

و اصحابه الطاهرین اجمعین

زن در منظر اسلام و دموکراسی

اعوذ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

« وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا

وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ

أَيْمَسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ ۖ أَمْرٌ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ

مَا تَحْكُمُونَ » (۱).

ترجمه: و چون یکی از آنها را بفرزند دختری

مژده آید، از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده

و سخت تنگ دل میشود. از این عار، روی از قوم

خود پنهان میدارد و بفکر افتد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد یا زنده به خاک، گور کند. آگاه باشید که آنها بسیار بد می‌کنند.

در برهه های سیاهی از تاریخ که جهان بینی های کفر و شرک بر حیات اعتقادی انسان حاکمیت میراندند، تعریف زن در این بینش های نکوهیده، سخت ننگین و منفور ارائه می‌شد. چنانکه زنده به گور کردن دختران نه تنها جرم نبود، بلکه نوعی از افتخارات جهال بی حمیت (کفار زمان) بشمار می‌آمد.

در چنین فضای ظلمت و مملو از اختناق فکری و اخلاقی بود که نور ساطع اسلام درخشید و صبح آزادی انسان از زندان کفر و ظلم در رسید و بساط جهل و خرافات را یکسره برچید.

بناءً جشن آزادی و نجات زن با زمان نزول قرآن و اعلام پیام های رهایی بخش آن در زمین، رقم خورد و قرآن مجید به عاملین این جنایات

مشهود با لحنی جدی و قاطع چنین اخطار فرمود:
 «وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ ۖ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۱)

ترجمه: پرسند چو زان دخترک زنده به گور،
 بکدامین گناه کشته شده است؟

در این کتاب آسمانی جایگاه زن همطراز مرد
 (خلیفه الله) در تمامی اهداف پیدایش از شناخت و
 عبادت تا آزمایش، دعوت، مبارزه، کمک در جهاد
 برای اعلاى کلمه الله و تحقق حق و عدالت و آبادانی
 زمین بر پایه یگانگی ملاک برتری یعنی اصل
 پرهیزگاری قرار گرفت.

«يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
 وَجَعَلْنَاهُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ
 عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَنُكُمْ» (۲)

(۱) التکویر / ۸-۹.

(۲) الحجرات / ۱۳.

ترجمه: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. بی تردید خداوند، دانای آگاه است.

در کتاب اقدس الهی تعاریف کامل انسان با همه حقوق، امتیازات، وجایب و مکلفیت‌های اساسی آن طوری تسجیل گردید که زن و مرد هر کدام خود را در اوجنای انسانیت و ابدیت بیابند و رشد و جلال شانرا در کمال تقوی و طهارت تا تقرب به مقعد صدق خدا ببینند.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ۝ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»^(۱)

ترجمه: یقیناً پرهیزگاران در باغها و نه‌رهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر.

اسلام کرامت و بزرگی شخصیت انسان را تنها با میزان تقوی سنجید و بر این مبنا از حضرات ابراهیم، عیسی، موسی، لوط، نوح، سلیمان علیهم السلام و زن عمران، مریم، آسیه، بلقیس و امثال ایشان سلام الله علیهن بعنوان الگوهای ایمان و فداکاری در قرآن خبر داد. از کنعان، فرعون، قارون و همسران حضرات لوط و نوح علیهما السلام و دیگران در قطار نمونه های کفر، ظلم و پستی ها مثال زد، تا تفاوت های جنس، رنگ، زبان و نژاد معیار سنجش جایگاه و ارزش انسان قرار نگیرد.

قرآن کریم نه تنها چنگال ستمگران بی رحم (کفار) را از گلوی زن و دختر بی دفاع با برنامه هدایت و شمشیر شریعت و حکومت خود جدا کرد، بلکه زبان زشت و بهتان گر آنان را نیز نسبت به زنان پاکیزه برای ابد قطع نمود. چنانکه برای همچو جرمی همزمان سه کیفر جزایی را اعلان و تطبیق فرمود. یعنی توییح چنین مجرمان با زدن ۸۰ دره در

محضر عام، سلب دائمی حق شهادت آنها در محکمه و خواندن چنین اشخاص بعنوان فاسق.

«وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^(۱)

ترجمه: و آنانیکه بزنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند، آنگاه چهار شاهد بر دعوی خود نیارند، آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید. و هرگز شهادت آنها را نپذیرید که مردمی فاسق و نادرست اند.

قرآن حکیم باین هم بسنده نکرد و مردان را نه فقط به عدالت در برابر زنان فراخواند بلکه به گذشت، احسان و مروت با اینان دستور بخشید. بالمقابل این احسانها خیر بسیار و جاویدان را برای ایشان بشارت داد. بطور مثال صرف به نقل یکی از این موارد اکتفا میکنیم که خداوند(ج) می فرماید:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^(۱).

ترجمه: و با آنها در زنده گی با انصاف و خوش رفتار باشید. و چنانکه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت مکنید که) بسیار چیزها ناپسند شما است و حال آنکه خداوند (ج) در آن خیر بسیار برای شما مقدور فرموده است.

در آیه کریمه تلاوت شده بوضوح دیده میشود که خدای متعال (ج) مردان را با وجود احساس کراهت طبع نسبت به همسران ایشان به معاشرت پسندیده، گذشت و اغماض توصیه می‌فرماید. در بدل چنین صبر و تحمل آنها را به حضور حکمتی نهفته در این قضیه یعنی وجود خیر کثیر مژده می‌دهد. سبحان الله و بحمده باین الطاف بی نهایت ذات اقدس کبریایی نسبت به بندگانش!

بعنوان گل، نمونه گلستان با تلاوت این آیات کریمه از جمله دهها آیات شریفه دیگر هر انسان دقیق و عاقل به عظمت و ژرفای فرهنگ غنی

اسلامی و به حقانیت مواضع اسلام در این بحث بزرگ اعتراف می‌کند.

اما چرا کفر و الحاد جهانی با ادعای پرچمداری دموکراسی، آزادی و حقوق زن همیشه علیه مواضع بر حق و عالی اسلام در قضایای مربوط زن دست به تبلیغات و تخریبات خصمانه می‌زنند؟ در حالیکه خودشان تا هنوز که هنور است ادامه دهنده گان راه جهالت اسلاف شان در دشمنی با زن بطوری دیگر اند!

چه اگر کفار و مشرکین قدیم دختران نوزاد را زنده به گور می‌کردند، نظام‌های دموکراسی امروز شخصیت انسانی و معنوی زنان را در پیش چشم شان به گورستان‌های بی‌عزتی و محرومیت می‌سپارند.

در دنیای دموکراسی آزادی جنسی تا سرحد ایجاد روسپی‌خانه‌های رسمی به چه معنی است؟ جز تدفین کرامت انسانی! هم چنین تولید و پخش فلم‌های سیکس از طریق شبکه‌های تلویزیونی به مفهوم اعزاز زنان است یا توهین و بی‌عزتی ایشان؟

بهر صورت هدف اصلی استعمار از عزت زدایی زن و مرد جهان و پخش سمّ عیاشی و بی و بند و باری در جوامع انسانی چیست و چرا به این اعمال حیوانی پافشاری دارند؟

آری! استعمار علماً میداند که اداره غیر عادلانه جوامع و حاکمیت‌های اشغالگرانه و ظالمانه بر کشورها تا زمانی امکان پذیر نیست که نسل‌های جوان یکسر زمین آگاه، عیار، فعال و بیدار باشند.

بیداری، آگاهی و فعالیت جوانان وقتی میسر است که ایشان با تمام نیروی جسمی و فکری با استفاده از ثروت، قدرت و فرصت در پی خدمت بخود، وطن و مردم باشند.

تمرکز توان جسمی و فکری جوانان برای خدمت بوطن و مردم هنگامی تحقق یافتنی است که نیروی آنان مشغول امور مضره، بیهوده و حاشیوی نگردد. و آنچه ذهن، فکر و تمام حواس و وجود جوانان را بیش از هر چیز دیگر بخود مجذوب و مشغول می‌دارد، آتش هوسبازی‌ها است. چنانکه تماشای یک فلم هنری فسقی (باصطلاح

عشقی)، یا یک فلم مستند سیکس ساعت‌های پیاپی می‌تواند جوانان و حتی سالمندان را طوری مجذوب سازد که اصلاً پی‌کار و فکری مثبت و مفید نروند. پس اگر زمینه‌های زنده همچو صحنه‌های تصویری عملاً در اختیار جوانان قرار گیرد بیشک همه مسموم زهر فساد، جهالت و عطالت و محکوم به سقوط شخصیت و معنویت خواهند شد.

بناءً قدرت‌های استعماری بخاطر ادامه تسلط بی‌درد سرشان بر ملت‌های خود و بیگانه میکوشند تا نسل‌های جوان را همیشه سرگرم و مشغول بازارهای داغ آزادی جنسی بسازند.

از همینجا است که در کشورهای اسلامی تبلیغات ضد علمی و غیر منطقی‌ای را علیه اساسات اسلام در قبال مسایل زن برآه می‌اندازند تا باشد که تحت نام آزادی از قیود حجاب و قوانین خاص اسلامی پای زنان را بمیدان فتنه و فساد بکشند و خود به مقاصد استعماری‌شان برسند.

فلهذا استعمار همیشه زیر نام دموکراسی ضمن تبلیغات سوء علیه مقدسات و فرهنگ‌های بشری

وسایل و شرایط فساد و عیاشی را نیز در هر جا برای جوانان تلقین و مساعد می‌سازد.

چنانکه همین اکنون در سراسر جهان رادیو، تلویزیون، انترنت، روزنامه‌ها، جراید، مجلات، سینماها، مجالس، محافل، بازارها، مکاتب و دانشگاه‌ها همه و همه آلوده به زهر تبلیغات القایی ضد اخلاقی با مدیریت حلقات استعمارگر اند.

اگر هزینه‌های چنین مساعی و تلاش‌های جهانی برای گسترش افکار و اخلاق غیر انسانی و ضد اسلامی در یک هفته محاسبه شود به میلیون‌ها دالر میرسد.

چه گمان دارید آیا جُوک‌های حریص استعمار که ملت‌ها را بخاطر دسترسی به چند بشکه نفت بخاک و خون می‌کشند، چنین مصارف هنگفت را بیهوده و رایگان متقبل خواهند شد؟ نخیر!

بلکه اصل سرمایه و سود مضاعف این حجم گزاف پولی را هنگام اشغال کشورهای زیر نقشه به یکبارگی بدست می‌آورند.

بازدهی ثمر چنین سناریوهای شیطانی هنگامیست که قشر جوان کشورها در زمان هجوم نظامی - سیاسی بیگانگان به مقابل آزادی، استقلال، دین و وطن شان بی تفاوتی اختیار میکنند و یا رأساً در خط دفاع از متجاوزین می ایستند. این ثمره خبیثه نتیجه بی خبری و تبلی نسل های اغفال شده و مسموم به سم عیاشی استعمار با شعار دموکراسی است.

بی مورد نیست تا بر برخی از محورهای تبلیغاتی دشمنان انسان و قرآن که از دیر باز علیه اسلام مورد استفاده قرار گرفته نظر اندازی نماییم. ناگفته نگذاریم که دموکراسی شرق و غرب در رابطه باین قضیه موضعگیری واحد داشته و دارند. گویا مخالفت هر دو نیروی ضد اسلامی با اسلام و مبانی علمی و عملی حقوقی آن در ارتباط بمسائل زن با عین ادبیات و لحن مطرح می شود.

پرچمداران دموکراسی در خصومت و عناد با اساسات دین مقدس اسلام در موضوع زن سه مسأله را همیشه چنین عنوان می کنند:

الف - می‌گویند، حجاب اسلامی برای زنان نوعی قید و بست منافی آزادی است که زن باید از این قیود نجات یابد و بحق بی‌حجابی (بی‌حیایی) خود برسد!

ب - تبلیغ می‌کنند که تعیین مهر به مفهوم اهانت است نسبت به زن که به وی ارزش کالائی می‌دهد!

ج - بگفته آنها قانون تعدد زوجات در اسلام منافی اصل مساوات است! زیرا برای مرد حق ازدواج تا چهار زن را میدهد در حالیکه زنان از داشتن حق انتخاب چند شوهر محروم اند!

همینطور اینها برخی از برخوردهای ناپسند در کشورهای اسلامی را که مختص افرادی نا سلیم و نا مسلمان اند نیز بحساب اسلام در آورده و انگشت انتقاد به نظام حقوقی زن در اسلام می‌گذارند.

بمنظور تبیین و رد افتراءات یاد شده لازم است تا بطور اختصار هر کدام جدا، جدا توضیح شود، تا بدانیم که اغراض شوم و مغالطه اندازی‌ها علیه مبانی راستین اسلام در کجا است؟

الف - مسأله حجاب:

زیبائی استثنایی صوری انسان که در قرآن حکیم با عبارت شیوای (أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) یعنی بهترین سیما توصیف شده است بدون شک بیش از همه زیبایی‌های چشمگیر عالم هستی انسان را بخود مجذوب میسازد. مخصوصاً برجسته‌ترین اعضای سحر انگیز زنان چون موی، پستان، ساختمان کامل پای، ران و ساعد و بازوی شان بینندگان مرد را چنان مسحور میسازند که (بجز داشتن ایمان کامل) به هیچوجه نمی‌توانند دل از دیدن برداشته و چشم برهم گذارند. تا حدیکه انسان‌های مغلوب افسون‌گری این زیبایی‌ها صادقانه یا کاذبانه فریادهای سوز و درد عشق بیدرمان سر می‌دهند.

استعمار با شناخت این رمز روانشناسی علاوه بر سازماندهی تبلیغات فاسد اشتهاری در رسانه‌ها با صدور ستایل‌های مزخرف مود و فیشن به قصد عریان‌سازی کامل و یا قسمی اعضا و اندام مهیج زنان وظیفه تحریک آمیز شیطنی شانرا برای اغوای اخلاقی جوانان نیز تعقیب می‌کنند. زیرا آنها می‌دانند که از نظر روانشناسی مردها بیشتر از

طریق حس باصره تحریک می‌شوند و زنان بوسیلهٔ مساس.

استعمار جهانی با درک عمیق و استفادهٔ سوء از این خصوصیات روانی زن و مرد محیلانه و مجدانه سعی مینماید تا حجاب را از زنان برداشته و زمینهٔ تحریک مردان را به دعوت زنان به سوی آمیزش و اختلاط نا جایز مساعد نماید و جامعه را به فحشا، بیکاری و غفلت معتاد ساخته خود براحتی بر ملت‌های غرق در غفلت و فساد حکومت نماید.

بنابر این حجاب در اسلام بمنظور وقایه و جلوگیری از ظهور و پخش فسادهای اخلاقی در جامعه و بمقصد حفظ آبرو، عزت و ارزش‌های متعالی زن وضع و سفارش گردیده است. زیرا حجاب هرگز مانع کار و سایر فعالیت‌های حیاتی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی زنان نمیشود، فقط جلو دید و نظارهٔ مردان مفسد را از اندام‌های افسونگر ایشان که موجب تحریک آنها می‌شود، می‌گیرد.

ب - مَهر :

مهر در اسلام عبارت از حقی است که پس از ایجاب و قبول و عقد نکاح برای خانم‌ها قابل پرداخت می‌باشد. زن از این حق میتواند هر نوع استفاده مالکانه بنماید. حق مهر با وقوع طلاق و یا مرگ شوهر زایل نمیشود تا زوجه بعد از طلاق و یا مرگ همسر هم از آن استفاده کند.

بناءً مهر چیزی نیست که در بدل زن به پدر یا مادر و سایر اقاربش پرداخته شود و حکم بیع را بخود بگیرد. بلکه تقدیم مهر بمثابة یک هبه و تحفه به همسر، در حقیقت ارج گذاری بمقام زن و ادای شکران احسانی است متقابل که مرد را بعنوان شریک زندگی خود می‌پذیرد.

مهر انگیزه ایست هدفمند برای ایجاد اعتماد به دوستی و حفظ پیوند متین و مشروع زنا شویی، تا هر فضول بوالهوس میل بیجا به تأمین روابط نا جایز و گذرا با زنان خوشباور نکرده موجب اغفال آنان را بار نیارد و با عزت و حیات ایشان بازی نکند.

در جهان دموکراسی به نسبت نبود چنین تضمینی حقوقی و اخلاقی است که همه دختران مظلوم به امید همسر شدن از نو باوه‌گی تا پایان دوره جذابی و طراوت شان چندین بار دست بدست مردان بی‌احساس، بی‌ایمان و فاقد عطف و مهربانی می‌گردند. بازهم اطمینان نیست که اکثر این مظلومه‌ها تا آخر عمر بدریافت همای سعادت (شریک زندگی) خود برسند یا نرسند.

متأسفانه دین، قانون، فرهنگ و یا مرجعی بازپرس در نظام‌های دموکراسی وجود ندارد که چنین جنایات جنسی، تحقیر و توهین مداوم زنان ملیونی مایوس از حقوق طبیعی، مدنی و سرنوشت آنان را از کسی بپرسد.

بلندترین گراف میزان طلاق در دنیای دموکراسی نیز ناشی از نبود هیچ‌نوع ضمانتی حقوقی و انگیزه‌ای انسانی و معنوی برای ادامه حیات زنا شویی است. در حالیکه در کشورهای اسلامی و بطور خاص در افغانستان میزان طلاق ناچیزترین رقم را به مقیاس جهانی نشان می‌دهد.

بدتر از این روش‌های غیر انسانی در مقابل دختران مظلوم و نا آگاه در دنیای دموکراسی، بحران تن فروشی با مجوز رسمی دولت‌ها است که بعضاً از طریق ویتزین‌ها بطور عریان با اعلان نرخ همبستری در انظار همه نمردگان بی‌روح و فاقد وجدان قرار می‌گیرند. چنین است ارزش کالایی زن در نظام‌های غیر اسلامی و دموکراتیک!

اگر منحیث انسان بر وضع زن در جوامع باصطلاح مدنی و دموکراتیک اندکی مکث و تأمل صورت گیرد که دختران با هر شقی مفسد چه خوش تیپ چه بدفوکس صرف در بدل مثنی پول به ناخواه هم‌آغوش می‌گردند، اینجا است که واژه‌های کفر، استعمار و دموکراسی بصورتی درست و حقیقی شان تبلور می‌یابند!

در پایان این مبحث باید گفت که مهر نماد عزت، وقار، غرور، افتخار و آینده مطمئن زندگی زن مسلمان را تعریف می‌کند، نه قیمت آن را که بعنوان خلیفه خدا، تعیین ارزش آن چون قیمت کل هستی حدس زدنی نیست!

ج - مسأله تعدد زوجات:

پیشتران دموکراسی و استعمار همه یک صدا و هم‌آهنگ بر این جزء قانون ازدواج در اسلام نیز خورده می‌گیرند که گویا حق ازدواج برای مردان تا زن چهارم جواز دارد، اما زن‌ها از انتخاب بیش از یک شوهر محروم‌اند!

بر اساس اصل تیوری تساوی حقوق زن و مرد بزعم ایشان چنین حقی به زنان نیز باید داده می‌شد.

معاندین حق، در رأس حلقات استعماری با طرح چنین سفسطه دموکراتیزه شده ضد علمی می‌خواهند در افکار عامه مغالطه اندازی نمایند و از آن به نفع مقاصد استعماری شان سود ببرند.

اما زمانیکه این اغفالگری در مکیال منطق و خرد سنجش شود خواهند دید که محصول فکری ادعا داران دموکراسی چقدر بی اساس و تا کجا ضد علمی و غیر عملی است!

نخست برای ثبوت غیر عملی بودن این ادعای پوچ باید اظهار داشت؛ گرچه طلایه داران دموکراسی هر نوع افسار گسیخته‌گی‌های جنسی را

به عنوان حقوق دموکراتیک، مدنی و شخصی افراد اجازه داده جداً تشویق و پشتیبانی می‌نمایند اما تا هنوز هیچ‌یک از حامیان دموکراسی به تطبیق این تیوری مضحک خود تن نداده و هرگز هم نخواهند داد.

اگر ایجاد چنین نظام خانواده گی ممکن میبود چرا خود این آقایان تا حال طرح ایده آل شان را تجربه نفرموده و چنین قانونی را در جوامع کفری و دموکراتیک وضع و تطبیق نکرده اند؟

زیرا میدانند که چنین جنایت یک امر محال و بد فرجام است. اما برای مخدوش ساختن افکار عامه علیه اسلام و فروپاشی کانون های خانوادگی در جهان همچو تبلیغات زهر آگین را برای نیل به اهداف سلطه جویانه شان پخش و گسترش می‌بخشند.

دوم - باید دانست که هدف اساسی ازدواج تنها اطفای غریزه جنسی است یا ادامه نسل آدمی و جلوگیری از انقراض آن در زمین ؟

کاملاً بدیهیست که اگر هدف اصلی و پایانی ازدواج فقط اطفای غرایز باشد، این مأمول بسادگی می‌تواند از راه تماس‌های فارغ از اخلاق مخصوصاً برای کفار همواره میسر گردد، بدون اینکه به پذیرش بارهای عقد ازدواج، مراسم نکاح، ضوابط و قوانین خانوادگی و تشریفات معمول فرهنگ‌های گوناگون بشری تسلیم شوند. اما چرا پسمانده ترین جوامع دموکراسی از لحاظ اخلاقی چون اروپا و امریکا نیز در پی تشکیل خانواده بشکل قانونی و طبیعی آن اند؟

زیرا همه می‌خواهند تا از ایشان وارثین شناختنی در زمین بروید و از تاریخ، فرهنگ، سرزمین و دیگر داشته‌های شان وراثت و پاسداری نمایند. چنین هدف هیچگاه بر آورده شدنی نیست تا مسأله ازدواج و تشکیل خانواده بشکل طبیعی آن مطرح نشود. فلذا هدف اصلی و استراتژیک ازدواج در هر فرهنگ، ادامه نسل است نه چیز دیگر.

سوم - تعدد زوجات را از این زاویه نیز بررسی باید کرد که آیا در چند زنی هدف اصلی ازدواج (ادامه نسل) برآورده خیر میگردد یا در چند شوهری؟

آری! علوم، منطق و تجربه نشان می دهند که اگر یک مرد با یک زن ازدواج نماید حاصل این پیوند مشروع در یک دور ولادت یک طفل است. اینچنین نتیجه ازدواج یک مرد با دو، سه و چهار زن طبیعتاً ولادت ۲، ۳ و ۴ فرزند در دنیا خواهد بود. پس داشتن چند همسر مشروع برای یک مرد مانع نیل به هدف غایی ازدواج قطعاً نمی شود، حتی در حد نهایی به این هدف کمک می رساند.

حال بطور فرضیه طرح قضیه را از نظر دموکراسی ببینیم که در این صورت چه می شود؟ یعنی برعکس بر مبنای اصل تساوی حقوق یاد شده اگر یک زن نیز با دو الی چهار شوهر زندگی کند آیا هدف نهایی ازدواج (تولید نسل) کاملاً تحقق می یابد یا خیر؟

در اینصورت نیز هویدا است که اصلاً بچنین هدف نمی‌رسند. زیرا یک زن با داشتن چند شوهر در هر دوره حمل خویش نمی‌تواند بیشتر از یکبار آبستن شود. اینکه در چنین حالت مفروض چه معضلات اخلاقی، عاطفی، روانی، جسمی، صحی، حقوقی، اجتماعی، خانواده‌گی و غیره دامنگیر این مجموعه بدبخت می‌شود، در این باره نمی‌پیمیم.

نکته مهم دیگر اینکه در عصر حاضر تقریباً ثلثی از زنان جهان بدلیل مرگ و میر مردان، اعم از کافر و مسلمان در جنگ‌های اشغالگرانه و تحمیلی کفر جهانی از داشتن شوهر محروم شده‌اند.

اکنون اگر این طرح احمقانه با فرض محال به اجرا در آید بدلیل متأهل شدن مردان بسیار با زنان اندک، میلیونها زن و دختر دیگر نیز به بحران بی‌همدمی و بی‌سرپرستی خواهند پیوست.

منصفانه قضاوت شود این نظر چقدر کورکورانه و سنجش نشده است که ابلهان هم با آن موافق نخواهند شد، چه رسد به افراد باشعور و صاحب‌خرد!

حقا که خدای متعال بار بار از کفار در قرآن با صفات بیخرد و نادان خبر داده است بطور مثال (فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ بَانَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ؛ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهِ).

حال آنکه اگر قانون اسلامی تعددِ زوجات در سطح جهانی تطبیق شود بر عکس به بحران تنهایی زنان مایوس و محروم جهان با حفظ عزت و تضمین اهداف اساسی ازدواج چنان خاتمه می بخشد که هیچ زن و دختر دیگر از فقر، تنهایی و آینده نا معلوم خویش رنج نبرد.

براستی که چقدر فرق است میان قوانین الهی و طرح های مغرضانه و ناقص بشری. طرح اسلامی تعدد زوجات کجا و هوس دموکراتیک تعدد ازواج کجا؟ آری درسفته اند که:

دانهٔ فلفل سیاه و خال مهرویان سیاه

هر دو جانسوز است اما این کجا و آن کجا

در پیوند مستقیم با موضوع لازم است بارتباط تبلیغات مغرضانه علیه وضع زنان در افغانستان با

تبیین و توضیح چگونگی مسأله بحث را پایان بخشیم.

با یک سروری و همه پرسی عمومی در خانواده‌های مختلف کشور خواهیم دید که وضع زن در افغانستان به تناسب سطح تربیت اخلاقی و اسلامی شوهران شان فرق می‌کند. از این زاویه نگاه، زنان افغان را می‌توان به سه گروه تصنیف کرد:

۱- زنانی که در قید نکاح مردان مؤمن، مذهب، سلیم و با تربیه اسلامی قرار می‌گیرند، در بهترین شرایط انسانی و اسلامی نسبت به اکثریت زنان جهان بسر می‌برند. زیرا برخورد و معاشرت انسان‌های آگاه و مذهب مطابق به اصول اسلامی در همه موارد با زنان است.

از اینرو نه تنها اشکالی در زنده گی این عده افراد با زنان شان بوجود نمی‌آید، بلکه مضبوط ترین روابط نیک خانوادگی، رأفت، وفاداری، احترام متقابل و هر آنچه برای یک زندگی اسلامی و انسانی

نیاز است، در سطح ایثار و فداکاری در میان این جفت‌های مؤمن و آگاه حضور همیشگی دارد.

۲- زنانی که در حباله نکاح عامه مردان در می‌آیند.

عامه مردان افغانستان، با خصوصیات امتزاج اسلامیت و عنعنات افغانی و با حالات تربیت اجتماعی و خانوادگی خاص و هم‌چنان با سطوح پایین آگاهی از احکام اسلامی و نداشتن سواد و دانش کافی برخوردارهایی جداگانه با زنان خود دارند.

اما بطور عموم در میان عوام مردم ما زن در جایگاه مادر موجودی مقدس شناخته شده است. و زن بعنوان ناموس نیز، دوست داشتنی، قابل حمایت، پرستاری و شایسته نگره داریست.

خوشبختانه زندگی زناشوه‌ری و خانوادگی عامه مردم ما بر خلاف زندگی عوام همه بشریت در کمال وفاداری با ضوابط خاص فامیلی، محبت و مشارکت در امور زندگی به پیش می‌رود.

این زندگی بالنسبه اسلامی - افغانی متأسفانه با
یکرشته ناهنجاری‌های مقطعی نیز همراه است که
مورد تأیید اصول و ضوابط قبولشده اسلامی و
افغانی نیست.

دلیل این ناهنجاری‌ها و عدم مطلوبیت در
روابط خانوادگی عامه مردم، اکثراً ناشی از
برداشت‌های ضعیف از اسلام، نارسایی در مسایل و
احکام دین و نزول سطح تربیه، سواد و فرهنگ
خانواده‌ها است.

بهر صورت بازهم رابطه عامه مردان و زنان در
رسوم افغانی با همه دشواریهای گذرا در مقایسه با
وضع زنان سایر مردم جهان از همه بهتر می‌نماید.

بدین معنی که مسأله ازدواج و وفاداری زن و
شوهر در کشور (باستثنای مواردی خاص) بهر شکلی
که باشد تا اخیر عمر تضمین شده است. در حالیکه
در ممالک دیگر بویژه کشورهای غیر اسلامی ادامه
زندگی دوام دار اکثراً با زنان دلخواه شان نیز
تضمین ندارد و جای روابط مشروع زنا شویی را

مناسبات ناجایز جنسی در میان اکثر مردان و زنان جهان می گیرد.

۳- زنانی که در چنگ انسان‌های نا سلیم و فاقد تربیت خانوادگی می افتند.

افراد نا سلیم بهر نحویکه نفس‌های خبیثه ایشان امر کند، همانگونه مقابل هر انسان بیدفاع مخصوصاً در برابر زنان برخوردارهای غیر انسانی و ضد اسلامی را روامیدارند، که اینان در عمل از دایره‌های اسلامیت، انسانیت و افغانیت خارج اند.

اما خاطر نشان باید ساخت که تعداد این گروه فاسد بسطح کشور بیحد ناچیزاست و اعمال فاسد و جنایات این گروه را نباید به ملت افغانستان و یا به دین مقدس اسلام نسبت دهند. زیرا مثال‌های بیشمار همچو افراد بیدین، وحشی و ظالم در همه کشورهای قدرتمند دنیا نیز وجود دارد.

مآخذ:

- ۱- الفرقان، ۵۴ آیه
- ۲- الحجرات، ۱۹ آیه
- ۳- اخرجه البخاری فی ۶۰ کتاب الانبیاء ۴۵ باب.
- ۴- تفسیر انوار القرآن (۳۲/۱)
- ۵- الاحزاب، ۳۳ آیه
- ۶- ترجمه تفسیر طبری، ص ۱۰۸۰
- ۷- ترجمه تفسیر طبری، ص ۱۵۷۳
- ۸- اخرجه البخاری فی الكتاب بدء الوحي: ۳ باب حدثنا يحيى ابن بكير
- ۹- اخرجه البخاری فی الكتاب بدء الوحي: ۳ باب حدثنا يحيى ابن بكير
- ۱۰- خاتم پیامبران- ابوزهره، ص ۳۰۸
- ۱۱- اخرجه البخاری فی: ۶۳ کتاب مناقب الانصار: ۲۰ باب تزويج النبي (ص) خديجه (رض) و فضلها، اللؤلؤ و المرجان، ج سوم، (۲۷۲/۱)
- ۱۲- خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۲۵۷
- ۱۳- الروم، ۱۲ آیه
- ۱۴- اخرجه البخاری فی: ۱ کتاب بدء الوحي: ۳ باب حدثنا يحيى ابن بكير
- ۱۵- خاتم پیامبران (ص)، ج ۱، ص ۲۷۵